

## باز آمد

باز محرم آمد ، باز بودی عزا آمد ، باز ماه گریه ها آمد ، باز ماه ناله ها آمد!

باز دلها خونین شد ، باز چشمهای همه بارانی شد !

باز شمع ها روشن شد ، باز آسمان تاریک شد و مانند همه ما ناله به سر داد!

باز بر روی لبها نام حسین جاری شد !

و باز فریاد های یا حسین از همه جا بلند شد و دلها با این نام و فریاد آرام گرفت!

باز سینه و شانه ها همه سرخ و سوخته شد!

و دستها همه به آسمان رفت و از حسین و خدای خویش حاجت به زبانها آمد!

باز یاد حسین در ذهنهای ما غوغا به پا کرد !

باز یاد او در دلهایمان شعله ور شد و رفتن او برایمان یک فاجعه شد!

باز همه بر سر و سینه خود می زنند و با گریه فریاد میزنند یا حسین شهید!

باز بوی کربلا آمد ، باز بوی غصه ها آمد ، بوی خاک پاک شهیدا آمد!

باز بوی حسین آمد ، بوی ابوالفضل آمد ، بوی زینب آمد ، بوی اکبر آمد!

باز کبوتران خونین در آسمان دل گرفته در حال پروازند

و مانند ما آواز غم انگیزی در دل دارند!

باز مردمان دل سوخته و عاشق امام حسین

در سرزمین ما عاشقان به عزای او مینشینند

تا بار دیگر خاطره های خونین کربلا را زنده کنند و برای شهیدان ناله به سر دهند!

باز صدای گریه ها به آسمان بلند شد تا خدا درد ما را بفهمد

و احساس ما را درک کند و ببیند ما چقدر عاشق حسینیم!

باز محرم آمد ، بوی اسفند آمد ، بوی عاشقی آمد ، بوی عشق به حسین آمد!

باز دیوانه های امام حسین به صحنه آمدند ، با زنجیر و دست می رسانند که ما عاشق  
حسینیم!

لعنت به تو ای معاویه ، لعنت به تو ای یزید!

که کبوتر عشقمان ، سناره درخشانمان ، عزیز دلمان ، امام سوممان را از ما گرفتی!!!! لعنت  
به شما!

